خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۴ مهر ۱۳۹۵ . ۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۳۶۱

پهلوگیری ناو ایتالیایی «یورو» در بندرعباس

خراسان - ناو ایتالیایی «یورو» که با اهداف سیاسی، فرهنگی و نظامی به ایران سفر کرده است صبح شنبه در اسکله منطقه یکم امامت نیروی دریایی ارتش در بندرعباس پهلو گرفت و پس از انجام مراسم استقبال از ناو یورو، فرمانده ناو به همراه سفیر و وابسته نظامی ایتالیا در ایران با فرمانده منطقه یکم امامت دیدار کردند. فرمانده ناو ایتالیایی قرار است از برخی جزایر خلیج فارس نیز دیدن کند.

گزارش میدانی خراسان از آموزش‌های سخت و طاقت فرسای تکاوران دریایی در منجیل

زنده ماندن با گوشت مار و تحمل فشارهای روانی مصنوعی

ماجرای رخ به رخ شدن کلاه سبزهای ایران و رژیم صهیونیستی در مدیترانه

هادی محمدی- بادوتوربین‌های بادی سفیدرنگ در حال چرخش ، دریاچه نیلگون و مزارع سرسبز زیتون اولین چیزهایی است که در هنگام ورود به منجیل می بینی ، منجیل زیبا به همه این ها شهره است در حالی که کمتر مردمی هستند که بدانند تنها پایگاه آموزش تکاوران دریایی و یکی از بهترین مراکز آموزش تکاور دریایی در غرب آسیا در این منطقه خوش منظره قرار دارد. مرکزی که با پیشینه ای حدود نیم قرن تا امروز توانسته صدها تکاور کلاه سبز رشید و زبده تربیت کند که در ردیف بهترین تکاوران دریایی دنیا باشند. دیدن تمرینات سخت و طاقت فرسای این عزیزان در کوه و دریا و انگیزه مثال زدنی این جوانان که رنج ماهها دوری از خانواده و فرزند را تحمل کرده تا با کسب آمادگی کامل برای روز مبادایی که میهن عزیزمان نیاز به ایثار آن ها دارد وارد صحنه شوند ، شور و شوق انسان را دوچندان می کند و امنیت خاطری می دهد که مثال زدنی است. قطعا دشمن این مرز و بوم که از وجود چنین فرزندانی آگاه است در هزینه-فایده خود برای دست اندازی به ایران عزیز محاسبه بر خورد با این نیروهای زبده را کرده و هرگز چنین خطای محاسباتی را نخواهد داشت چرا که می داند در صورت چنین حماقتی پاسخی سخت و تکرار نشدنی برایش رقم خواهد خورد. مردان بزرگی که من دیدم و در ادامه گوشه ای از تلاش ها و عقایدشان را خواهید خواند جان بر کف برای دفاع از مرزهای این ملک ابدی ایستاده اند و حتی امروز در آرزوی دفاع از حرم های شریف اهل بیت(ع) در برابر کافران مسلمان نمای تروریست لحظه شماری می کنند. ورود به این مرکز آموزشی مهم به دلیل حساسیت هایی که دارد به سادگی ممکن نیست اما با همکاری روابط عمومی نداجا در اولین روزهای شهریور ماه ۹۵ فرصتی دست داد تا با حضور در مرکز منجیل گزارش عینی و میدانی از آموزش ها، سختی ها و تلاش ها و مجاهدت های سربازان تکاور این مرز و بوم تهیه کنیم. آنچه می خوانید در هاور داین سفر و باز دید است.

■ ملاقات با فرمانده

پایگاه تفنگداران و تکاوران دریایی منجیل که به نام دلنشین «قمر بنی هاشم(ع)» مزین شده حدود نیم قرن است (از سال ۱۳۴۸) که در دامنه کوه های مشرف به منجیل جای خوش کرده و با منظره ای زیبا از جنگل های سرسبز در هم تنیده در شمال و دریاچه نیلگون سد سپیدرود در جنوب مکانی زیبا برای زندگی و شاید تحمل تمرینات سخت تکاوری است. در ابتدای ورود به پایگاه من را به اتاق فرمانده آموزش تکاوران دریایی که به کلاه سبزها معروف هستند راهنمایی کردند. آنجا با جوانی روبه رو شدم که چندان به اساتید و همچنین فرمانده آموزش نمی خورد اما گفت و گو با وی نشان داد که او علی رغم این جوانی، کوله باری از تجربه و آموزش و البته تمرینات طاقت فرسا با خود همراه دارد.

■ فشارهای جسمانی و آموزش‌های تئوریک در کنار فشارهای روانی مصنوعی

ناوسروان تکاور دریایی علیرضا زهدی جلال ۳۵ سال دارد و اهل همدان است. او از سال ۱۳۸۰ وارد دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در رسته تفنگدار دریایی شد و بعد از ۴ سال به عنوان نفر اول دوره فارغ التحصیل شد و آن چنان که خود می گوید به خاطر علاقه به رسته تکاور دریایی می پیوندد. در دوره تکاور دریایی هم نفر اول می شود و بعد از افتخار کسب کلاه سبزی به مرحله بعد تکاوری که SBS نام دارد وارد می شود؛ در این مرحله نیز موفق بوده و هم کانون استاد دوره SBS است.

■ ۶ ماه آموزش ۲۴ ساعته بدون مرخصی

زهدی جلال می گوید از بین بچه های تفنگدار دریایی عده ای داوطلب رفتن به رسته تکاوری می شوند البته باید یک سری ویژگی ها را داشته باشند و آزمون هایی بدهند و بعد از این آزمون ها نفرات برای یک دوره ۶ تا ۸ ماهه انتخاب می شوند. در دوره تکاوری به جز فشارهای جسمانی و آموزش های تئوریک، فشارهای روانی مصنوعی هم تحمیل می شود تا فرد در شرایط واقعی قرار بگیرد. این افراد، به مدت ۶ ماه ۲۴ ساعته اینجا هستند و مرخصی یا اجازه خروج از پادگان را ندارند.

■ آموزش زنده ماندن در کویر و کوهستان و جنگل و دریا

ساعت ۴ و نیم صبح زمان بیدار باش است و بقیه مدت هم در فشار سخت هستند. حتی ممکن است کاری از آن ها بخواهند و انجام دهند اما مربی به راحتی آن کار را از بین ببرد؛ چرا که تلاش داریم تا مربی افراد تحت آموزش را به لحاظ روانی به هم بریزد و افرادی که به لحاظ روحی و روانی قوی نیستند مشخص شوند؛ زیرا این نیروها ماموریت های سنگینی دارند که بیشتر خارج از کشور بوده و حتی ممکن است اسیر شوند که مارفتار زمان اسارت را هم آموزش می دهیم. همچنین آموزش زنده ماندن در کویر و کوهستان و جنگل و دریا را هم دارند. فرمانده تاکید دارد این یک دوره داوطلبی بوده و اجباری در کار نیست و به این جهت دانشجویان با علاقه سختی ها را تحمل می کنند. از او پرسیدم سختی این تمرین ها حساب شده و تحت استانداردهای خاصی است؟ که پاسخ داد این آموزش ها در دوره طاغوت در انگلستان انجام می شد و بعد از آن منجیل انتخاب شد تا همین جا آموزش ها داده شود. بعد از انقلاب همه این آموزش ها با تجربیات جنگ تحمیلی تلفیق و به روز شد و امروز نیز آموزش های تکاوران ما متناسب با تهدیدات است. شاید برخی آموزش ها کنار گذاشته و آموزش های جدید جایگزین شود اما در هر صورت همه آموزش ها بومی هستند.

■ مبارزه با تروریسم و جنگ های شهری و خانه به خانه

با توضیحات او پرسیدم منظور از «متناسب با تهدید» یعنی چه ؟ که وی پاسخ می دهد تهدید برای ما همیشه اسرائیل و آمریکا هستند و اینکه چگونه جزایر خود را حفظ کنیم . اینها به عنوان ماموریت ذاتی تفنگداران دریایی به شمار می روند اما در تازه ترین تهدید بحث داعش و نحوه مبارزه با تروریسم و جنگ های شهری را در دستور کار قرار داده ایم چون ممکن است به سوریه اعزام شویم و باید این آموزش های چریکی خانه به خانه و ضد تروریستی را فرا بگیریم که در این راستا آموزش های مربوط به جنگهای نامنظم و خانه به خانه را که به صورت محدود داشتیم ، گسترش دادیم . وقتی از فرمانده می پرسم شما آمادگی اعزام به سوریه و دفاع از حرم های شریف اهل بیت(ع) را دارید، با قوت و قدرت صد در صدی تایید می کند و ادامه می دهد: البته الان موافقت نکردند و الا ما آمادگی و آموزش های مورد نیاز را داشته ایم و خیلی از بچه های همین مرکز می خواستند داوطلبانه به منطقه اعزام شوند چون خود را آماده می دیدند و حتی برخی تجربیات را از تکاوران نیروی زمینی و سپاه گرفته ایم.

■ آموزش‌های سطحی و زیر سطحی برای مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن

یکی از ماموریت هایی که در سالهای اخیر بسیار شنیده ایم مبارزه با دزدان دریایی است. در این زمینه «زهدی جلال» معتقد است برای مبارزه با دزدان دریایی در دریا آموزش های متفاوتی دارند و کمین در دریا ، و ضد کمین ، نفوذ و ضد نفوذ ، ناوبری سطحی و زیر سطحی از آن جمله است. ضمن اینکه کسانی به خلیج عدن اعزام می شوند که این درس ها را گذرانده باشند. در واقع هر ناو و شناوری که به خلیج عدن می رود حتما افرادی از تکاوران دریایی همراهشان هستند.

■ پیشرفت‌های خارق‌العاده در حوزه شبیه‌سازها

وی امکانات مرکز منجیل را در میان مراکز آموزشی کشور مثال زدنی می داند و در این زمینه به پیشرفت های صورت گرفته در حوزه شبیه سازها اشاره می کند و می گوید: ما بسیاری از شبیه سازها را داریم ، سالن تیراندازی فاتح ما شبیه سازی همه تفنگ ها را دارد و شبیه ساز تیراندازی روی شناور را خودمان ساخته ایم. همچنین سامانه شبیه ساز خروج از زیر دریایی های کلاس سنگین و سبک را نیز داریم؛ ما جایی که آموزشهای میدانی را نتوانیم به حالت جنگی مناسب انجام دهیم دنبال شبیه ساز می رویم زیرا آموزش با شبیه ساز بسیار راحت تر و کم هزینه تر است.

■ آزمون‌های ۳ ماهه از کلاه سبزها

دوره بعد از تکاوری و کلاه سبز شدن SBS نام دارد، از او که استاد این دوره نیز هست می خواهم در این زمینه بگوید و او توضیح می دهد : کسانی که دوره تکاور را گذرانده اند در ادامه الزاماتی دارند و هر جا که الزامات را نتوانند پاس کنند دیگر تکاور نیستند در واقع یک کلاه سبز دریایی باید هر ۳ ماه آزمونی در حوزه غواصی ، چتر بازی ، دانش نظامی ، تست ورزشی و چکاپ پزشکی انجام دهد و هر کسی که امتیاز لازم را کسب نکند دیگر نمی تواند تکاور باشد. از میان کسانی که تکاور شدند عده معدودی به عنوان SBS داوطلب می شوند. این دوره آموزش های بسیار سخت تری دارد زیرا آموزش های اینها ویژه تر هست ، غواصی عمق زیاد دارند و بیشتر در بحث شناسایی برون مرزی و اطلاعاتی هستند.

■ برخی افرادی که رد می‌شوند گریه‌وزاری می‌کنند

به مسائل مادی این کار می رسیم که اگر چه سخت تر حرف می زند اما اذعان دارد که به لحاظ مادی چندان چنگی به دل نمی زند و در واقع انگیزه های مادی تاثیر چندانی در تحمل سختی های این دوره ها ندارد. به نظر «زهدی جلال» اگر کسی بخواهد به پول برسد کارهای راحت تر و پر درآمدتری وجود دارد؛ کسی که در این رسته وارد می شود داوطلب و حتما علاقه مند است حتی جالب است که برخی افرادی که رد می شوند گریه وزاری می کنند که به این دوره وارد شوند ، کسی که تفنگدار دریایی است دوست دارد پیشرفت کند .اینکه بتواند بیشتر مفید باشد یا دیگران جور دیگری او را ببینند و اینکه خدمت بیشتری به کشورش داشته باشد باعث پیشرفت آنها در این کار می شود.

■ قبولی کمتر از ۱۰ نفر از بین ۲۰۰ متقاضی ورود به دوره تکاوری

از فرمانده «زهدی جلال» خداحافظی می کنم و به سراغ یکی از اساتید دوره های تکاوری می روم . او نیز جوان است و پرانگیزه. این را می توان در چشم هایش دید و این که چگونه ریزه کاری های این دوره ها را توضیح می دهد. شاید گمان کرده من هم شاید علاقه مند شوم و رخت نظام بپوشم. ناوسروان تکاور دریایی محسن محمدی یکی از مربیان مرکز آموزش منجیل است که حدود ۱۴ سال است در نیروی دریایی خدمت می کند و ۱۰ سال است کلاه سبز شده و البته دوره SBS را نیز گذرانده است. او پس از ۷ سال خدمت در جاسک به منجیل آمده و ۳ سال است که استادی دوره های تکاوری و SBS را بر عهده دارد. او در مورد دوره آموزش کلاه سبزها می گوید: از بین بیش از ۲۰۰ نفر کسانی که خواهان ورود به دوره تکاوری هستند شاید کمتر از ۱۰ نفر می توانند وارد این دوره شوند و در ابتدای ورود یک دوره ۲ هفته ای به نام عملیات تکاور دارند تا ببینیم آیا در اوج سختی می توانند تحمل داشته باشند و آیا از لحاظ روانی در شرایط سخت آمادگی دارند؟

■ غواصی مسیر بسته بدون خارج شدن حباب

بعد از هفته های اول برخی افراد می مانند که این تعداد به عملیات ویژه وارد می شوند و باید در محیط های ویژه دریا و کوه و جنگل و کویر تست شوند و زنده بمانند که در قالب یک سناریو خواهد بود یعنی در یک نقطه رها می شوند و باید در زمان مشخص به نقطه مورد نظر برسند. مثلا در غواصی مسیر بسته باید عملیاتی انجام دهند بدون اینکه حبابی بیرون برود که مکانیزم خاص و سختی دارد. بعد از دوره تکاور دوره های ناوبری هم می بینیم تا در شرایط خاص بتوانیم شناور را هدایت کنیم ضمن اینکه در خروج از زیر دریایی نیز تنها یگانی هستیم که آموزش می بینیم زیرا هر غواصی نمی تواند این کار را بکند و یک تخصص خاصی است که صرفا عملیات ویژه می تواند انجام دهد. دوره بعدی SBS نام دارد که در آن کسانی را آموزش می دهیم که در شرایط بسیار خاص به صورت تیمهای ۲ یا ۴ نفره وارد عمل شوند و نفوذ کنند و ماموریت انجام دهند اینها حتما باید خروج از زیر دریایی های سبک و سنگین و کار با زیر دریایی صابحات را فرا گرفته باشند که با استفاده از شبیه سازها، عملیات هایی مشابه شرایط واقعی انجام می شود.

■ با خدا معامله کردیم

در پایان گپ و گفت با این استاد تکاوران در مورد زندگی شخصی اش پرسیدم که پاسخ داد : من همسر و فرزند دارم که اینجا ساکن هستند . خیلی سختشان است اما ما با این لباس با خدا معامله کردیم تا امنیت مردم و کشور را حفظ کنیم. من آدم کارهای راحت و آسان نبودم. روحیه من این نیست که پشت میز بنشینم . شما هر قدر در این کار بیشتر جلو می روی افتاده تر و علاقه مند تر می شوی ضمن اینکه چتر بازی و غواصی و... علاوه بر کار آموزشی و نظامی ،تفریحی هم هست و اینکه می بینم شاگردانم کار را خوب یاد می گیرند حس خوب رضایت بخشی دارد.

■ ۱۶ کیلومتر دویدن تنها برای گرم شدن بدن

صبح روز بعد شاهد یکی از هیجان انگیزترین تمرینات نظامی بودم. ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه بامداد است. ارشد دسته با روشن کردن چراغ آسایشگاه و فریاد بر پا، همه را بیدار می کند تا آماده ادای نماز صبح شوند .پس از نماز و صرف صبحانه و نظافت هوا کم کم روشن شده و با سوت مربی، گروه ۱۵ نفره تکاوران فعالیت خود را آغاز می کنند. آن ها با ۱۶ کیلومتر دویدن کار خود را شروع می کنند، وقتی بدن های شان به خوبی گرم شد، نوبت به تمرین در میدان موانع است، محوطه ای بسیار بزرگ که شامل برج های راپل، ماکت های شبیه سازی شده شناورهای کوچک و بزرگ، موانع پاندولی، سیم خاردار، حوضچه های آب، رودخانه خروشان و موانع طبیعی دیگر است که عبور موفقیت آمیز از هریک از آنها نیاز به آمادگی جسمانی بسیار بالایی دارد. جایی که دو گروه تکاور ۴ نفره کلاه سبز می بایست مسیری ۶ مایلی (حدود ۱۰ کیلومتر) را در زمانی کمتر از یک ساعت بدوند و در این مسیر از تونل های خشک و فاضلاب و رودخانه و جنگل و جاده عبور کرده و البته همه این کارها در حالی انجام می شود که یک کوله پشتی و تفنگ ژ۳ را نیز حمل می کنند.

■ عبور از میان فاضلاب و قورباغه‌ها

مرحله اول عبور از تونل خشک است. ۲ تونل در عمق یک متری زمین که باید نیروها با صدای سوت مربی به سمت آن ها دویده و سینه خیز عبور کنند. پس از آن دراستخری می پرند که اگر چه عمقش زیاد نیست اما بوی بد فاضلاب و البته قورباغه و پشه هایی که در آن دیده می شوند چندان دلنشین نیست و تکاوران باید در این حوضچه ضمن حبس نفس خود از درون لوله ای گذر کنند که به نوعی شبیه سازی عبور از باتلاق و کانال های فاضلاب شهری است. این کار در سرما و گرما انجام می شود و به گفته مربیان حتی با شکستن یخ حوضچه نیز چنین تمرینی ادامه داشته است.

با خروج نیروها از حوضچه و با همان حالت خیس و آب کشیده باید شش مایل دیگر را بدوند؛ آنها باید از رودخانه خروشان عبور کنند و هم زمان آرایش خاص نظامی بگیرند و دقایقی را در آن آب سرد سپری کنند و با استتار مخصوص از لابه لای گیاهانی که کنار رودخانه قرار دارند به نحوی که دشمن فرضی آنان را نبیند از آنجا بگذرند، این مرحله نیز سختی های خاص خود را دارد زیرا آب با سرعت زیادی موانع خود را از مقابلش برمی دارد و تکاوران باید آنقدر قوی باشند که تسلیم جریان آب نشوند.

■ تیراندازی بعد از ۶ کیلومتر دویدن سخت

تکاوران با عبور از تپه های پیش روی خود وارد منطقه ای با پوشش گیاهی انبوه در ختان زیتون می شوند و این مسیر را باید همچون مراحل پیش با دویدن بگذرانند، آنها تا حدودی خسته شده اند و انرژی شان تحلیل رفته اما باید با ۱۲ فشنگی که در اختیار دارند به سوی سیبل هایی که پیش رو دارند شلیک کنند. نکته مهمی که در این بخش وجود دارد این است که ضربان قلب تکاوران بالا رفته است، بنابراین تمرکز به روی هدف هایی که مقابلشان است کمی سخت می شود ولی به هر حال باید آنان یاد بگیرند با تمرکز بسیار بالا به سیبل ها شلیک کنند و نمره بالایی بگیرند. زمان برای گرفتن صد امتیاز این مرحله ۴۷ دقیقه است و زمان قبولی ۵۵ دقیقه در نظر گرفته شده و اگر کسی زمانش بیشتر شود، رد می شود. اولین نفر با ۵۲ دقیقه به نقطه اول باز می گردد . از مربی پرسیدم آیا در عملیات ها نیز سلاح سنگینی همچون ژ۳ به همراه دارند که پاسخ داد سلاح عملیاتی اینها یوزی یا تندر است که یک اسلحه ایرانی خوش دست ، سبک و تاشو است که از گروه ژ۳ به شمار می رود. اسم این مرحله «تاب و توان» است تا تاب و توان فرد را مشخص کنند و کسانی که دوره تکاوری را می گذرانند باید ۵ بار دوره تاب و توان را طی کنند . علاوه بر تاب و توان آموزش های قایقرانی و غواصی نیز وجود دارد که در بندر انزلی انجام می شود.

■ تمرینات نیمه شب بعد از یک روز خسته کننده

مربی به برنامه های شبانه نیروها نیز اشاره دارد و می گوید: پس از خاموشی و شروع استراحت تکاوران، شاید یکی از مربیان آنان را از خواب بیدار کند و آموزش های شبانه آغاز شود. از تخت های شان پایین می آیند، پس از آنکارد تخت های خود به صورت خبردار می ایستند. مربی از آنان می خواهد درباره موضوعی که عنوان می کند تکاوران آموزشی نظر خود را بدهند و درباره آن به تبادل اطلاعات بپردازند. پرداختن به یک موضوع آن هم ساعت یک بامداد، با پشت سر گذاشتن یک روز سخت و پر کار بسیار مشکل است. این ماجرا بخشی از آموزش است، زیرا آنان باید بدانند در هر شرایطی باید قدرت تصمیم گیری و برخورد با هر اتفاقی را داشته باشند. او ادامه می دهد: کسانی که وارد این حرفه می شوند در ابتدا می دانند این کار سخت و طاقت فرساست و با عشق و علاقه مثال زدنی این لباس را بر تن می کنند و سختی آموزشها را به جان می خرند تا تکاور شوند و به کشورشان خدمت کنند. تکاوری برای تفنگداران دریایی یک افتخار است و آموزش های شان هر چقدر سخت و تاشو باشد ارزش دارد و با همراه داشتن اسلحه ژ۳ به موانع پاندولی و با عبور از آنها به طناب معلق می رسند که در ارتفاع ۴ متری از زمین قرار دارد. آنان باید از این طناب چند متری بدون آن که آویزان شوند، با یک شگرد بسیار جالب عبور کنند. طی کردن و موفق شدن در هریک از مراحل بسیار مشکل و طاقت فرساست و نیاز به آمادگی جسمانی بالا و به کار انداختن فکر دارد. یکی از مهمترین فعالیت های تکاوران آشنایی با تجهیزات مورد استفاده در عملیاتهای شناسایی یا حمله است. آنان گذشته از فراگرفتن غواصی باید با راه اندازی قایق Gmini به صورت تئوری و عملی آشنا شوند. مربیان کار آزموده ابتدا طریقه استفاده از تجهیزاتی همچون راه اندازی قایق بادشونده را در کلاس های ویژه به دانش آموزان آموزش می دهند سپس برای یادگیری های عملی آنان را به داخل سالن های مخصوص این کار می برند. در ادامه و در آموزش تکمیلی تکاوران باید باز و بسته کردن قایق و استفاده از آن را در سد آبی به اجرا بگذارند.

■ از خوردن مار و ملخ تا تولید آب در چاله برای زنده ماندن

مربی در مورد آیتم زنده ماندن که از جمله جالب ترین و سخت ترین تمرینات است توضیح می دهد که ۴۸ ساعت زنده ماندن فقط با یک کیلو یا دو کیلو آرد خام و یک قمقمه آب برای یک نفر در نظر گرفته شده و هر نفر باید راس ساعت مقرر در روز و نقطه مقرر حضور داشته باشد. برای این کار باید با شرایط منطقه خوب گیرند، آب تهیه کنند و برای شکار حیوانات تله بگذارند. در این دوره می توانند انواع پرنده ها و خزندگان به ویژه مار و ملخ را بخورند و این کار به آن ها آموزش داده می شود. در مورد مار و خوردنش پرسیدم که می گوید: مار را به ۵ تکه مساوی تقسیم می کنیم و یک قسمت سر و گردن را دور انداخته و سه تکه وسط را استفاده می کنیم. در واقع در این شرایط هیچ چیز نخوردنی نداریم حتی خون هم پروتئین زیادی دارد و خوردنش در شرایط بسیار اضطراری توصیه می شود و نفرات گیاهان خوردنی و غیر خوردنی را شناخته و روش درست کردن آب با چاله و پلاستیک را فرا می گیرند.

■ افتخار ماست که در خرمشهر ۳۴ روز تکاوران دریایی جلوی عراق ایستادند

بعد از یک ساعت دویدن طولانی مدت و سخت به نقطه شروع می رسد و همچنان در حال نفس نفس زدن است که او را به حرف می گیرم . ناوبان یکم تکاور محمد رضا فتحی فر هنرآموز سی ساله و متاهل دوره ۱۵ اس بی اس و شناسایی دریایی در منجیل است، او اهل استان فارس و شهرستان فساست . اما وقتی یادآوری می کنم که همشهری امیر سیاری فرمانده نداجا هم هست تاکید دارد که همه ایران سرای من است .

■ ۷ ماه دوری از همسر و فرزند

از او در مورد سختی این دوره ها پرسیدم که پاسخ داد : حدود ۲ ماه است که به فسا نرفتم و همسرم را ندیدم و باید ۵ تا شش ماه دیگر هم نروم. ماهیت دوره از اسمش مشخص است، تکاوران دریایی هر جایی ماموریت سخت وجود داشته باشد و نظامیان عادی نتوانند باید وارد عمل شوند و آموزشهای سخت داشته باشند. از انگیزه اش می گوید و اینکه در بحث نظامی گری اصلا پول مطرح نیست اما اگر علاقه باشد سن و سال و تاهل مهم نیست. درست است که که سخت است اما وقتی دوره تمام می شود همه اش خاطره هست. همیشه می گویند روح بزرگ و اراده قوی جسم ضعیف را می کشاند. در این دوره یاد می گیریم که هیچ کاری نشدنی نیست یعنی همه کارها و سخت ترین مشکلات را هم می شود حل کرد البته از موفقیتش صبر است و اینکه بگویید "من می توانم". این اراده قوی است که یک قایق بزرگ را از کوه بالا و پایین می برند یا سی مایل را با تجهیزات می دوند.

به این جوان پرانگیزه می گویم هیچ وقت در این دوره پیش آمده که خسته شوی و بگویی ولش کن ؟ پاسخ او صادقانه است: نمی شود دروغ گفت گاهی پیش آمد و بعضی مواقع با خودم گفتم رها کنم اما به آینده که نگاه می کنی شیرین است یا به پشت سر که می نگری می بینی خیلی جلو آمده ای و نصیب هر کس هم نمی شود که این کلاه سبز را سرش بگذارد من هم صد در صد افتخار می کنم . ما می گوییم افتخار ماست که در خرمشهر ۳۴ روز تکاوران دریایی جلوی ارتش عراق ایستادند . این افتخار بزرگی است که ما جا پای شهیدان تکاور گذاشتیم و همین برای ما بس است .

■ رخ به رخ با نیروی دریایی رژیم صهیونیستی

دیگر قصد خروج از پایگاه منجیل را داشتم که مطلع شدم یکی از تکاوران دریایی که در اولین سفر ناو گروه نیروی دریایی به دریای مدیترانه در بعد از انقلاب حضور داشته نیز در پایگاه منجیل مشغول به کار است . بنابراین فرصت را غنیمت شمرده و با او نیز گپ و گفت کوتاهی ترتیب دادم. ناوسروان حمید حیدری فر در مورد این سفر تاریخی و مهم می گوید : ناو گروه دوازدهم بودو ما در بهمن سال ۸۹ رفتیم و اسفند ماه همان سال باز گشتیم که حدود ۲ ماه طول کشید. در این ناو گروه ناو پشتیبانی خارک و ناو شکن الوند حضور داشتند البته هنوز اوضاع سیاسی سوریه متلاطم نشده بود. این اولین بار بود که نیروی دریایی ایران بعد از انقلاب می خواست از کانال سوئز عبور کند و به دریای مدیترانه و سپس سوریه برود. ما ابتدا به عربستان رفتیم و در جده پهلو گرفتیم و بعد به سمت آبهای مصر حرکت کردیم که هم زمان شد با انقلاب مصر و فرار مبارک . همین باعث شد تا حدود ۶ روز پشت کانال سوئز بمانیم تا اجازه عبور بدهند.

■ ابراز احساسات مصری‌ها برای ناو ایرانی

وی یکی از خاطرات تلخ خود را برخورد سعودی ها در جده می داند و می گوید: تشریفات و احترام خاصی برای استقبال از کشتی نظامی نیاز است اما سعودی ها در جده به خاطر کینه ای که دارند برخورد مناسب را نداشتند. ظهر شد موقع نماز ، اذان مودن زاده را پخش کردیم. واقعا مشخص بود که دلهره و آشوب در نفرات اسکله عربستان ایجاد شده و جالب تر این بود که همه پرسنل روی عرشه نماز جماعت با شکوهی می خواندند یا در کانال سوئز که می رفتیم با همه تبلیغات بدی که علیه کشور ما وجود داشت مصری ها با شور و اشتیاق و با شعارهایی ابراز احساسات می کردند و من که نگهبان عرشه بودم اینها را به چشم می دیدم.

■ تهدیدهای متقابل با ناوچه رژیم صهیونیستی

به نقطه حساس سفر و عبور از مقابل آبهای فلسطین اشغالی که رسیدیم هیجانش برای تعریف کردن بیشتر شد و با انرژی مضاعفی گفت: غرورانگیزترین صحنه ، زمان عبور از آبهای رژیم صهیونیستی بود . خیلی تهدید می کردند و ما از دوستان شنود این تهدیدات را می شنیدیم . ناوهای جنگی آن ها را می دیدیم یا اینکه هلی کوپتری را بلند کردند می دیدیم. می گفتند اجازه عبور ندارید یا اینکه برخورد می کنیم و ... اما با شجاعت فرمانده ناو گروه این مسائل تمام شد . ما در آبهای فلسطین اشغالی نبودیم و در آب های بین المللی حرکت می کردیم اما می خواستند تبلیغات کنند که این گونه نشد و از طریق ناو ما هشدار داده شد که حداقل ۵ مایل فاصله داشته باشند . حتی تهدید کردیم که اگر هلی کوپتر شما بلند شود و نزدیک بیاید ما هم هلی کوپتر به سمت شما می فرستیم. خیلی دوست داشتند تا حداقل ۵۰۰ متر هم شده ما از مسیر خودمان منحرف شویم و این را رسانه ای کنند اما به لطف خدا با شجاعت مجموعه و فرماندهان این اتفاق نیفتاد.

■ اگر شلیک می کردند پاسخ می دادیم

ما آماده باش کامل داشتیم و در حالت جنگی به گونه ای بودیم که اگر شلیک می کردند پاسخ می دادیم. در واقع ما رفته بودیم نمایش قدرت بدهیم که این نمایش داده شد . وقتی به لاذقیه سوریه رسیدیم به داخل شهر رفتیم که واقعا فرهنگ اروپایی داشت ولی از لحاظ رفتاری گویی ایران بود و برخورد بسیار خوبی داشتند ضمن اینکه حرکت ما در دریا مورد استقبال آنها قرار گرفته بود. حتی در لاذقیه دیدم که عکس روی گوشی خود را تصاویر رهبر انقلاب، سید حسن نصرا... و امام خمینی انتخاب کرده بودند. گفتنی است در همین زمینه رهبر انقلاب در دیدار با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، با اشاره به تأثیرات جهانی و پیام های عزت آفرین و اقتدار بخش حضور نیروی دریایی در باب المَندَب، خلیج عدن، دریای سرخ و کانال سوئز اظهار داشتند : این حضورها دشمن را به شدت دستپاچه و هراسناک کرد زیرا حضور مقتدرانه یگان های دریایی جمهوری اسلامی ایران در آب های آزاد برای ملت ها الهام بخش و امیدآفرین است. امیر دریادار سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش نیز در سخنانی به این موضوع اشاره داشته و گفته بود: لطف خدا بود که ما رفتیم و از کنار مرزهای رژیم صهیونیستی هم با اقتدار عبور کردیم و با حضور در لاذقیه تمام منطقه مدیترانه را تحت تأثیر قرار دادیم و اقتدار مملکت و نظام به بهترین نحو به نمایش گذاشته شد. فکر می کنم خبرگزاری الجزیره از من پرسید که شما برای چه به این جا آمده اید؟ گفتم که برای انتقال پیام صلح و دوستی . گفت: آیا پیام صلح و دوستی را با ناو جنگی می آورند؟ ببینید روی چه فکر کرده بود؟! خدا کمک کرد و جواب دادم پس بفرمایید نیروی دریایی باید با لنج ماهی گیری بیاید ؟! آن را که می گویند ناوگان صیادی! وقتی می گویند نیروی دریایی اسمش رویش است؛ یعنی ناو جنگی . وقتی ناو جنگی با پیام صلح و دوستی می آید معنا و مفهوم پیدا می کند. ما حتی در کانال سوئز به شهدای انقلاب مصر ادای احترام کردیم؛ چون انقلابش پیروز شده بود و خیلی هم با زتاب خوبی داشت. اسرائیلی ها خیلی بر مجلس شان فشار آوردند که باید به ما پول بدهید تا بتوانیم نیروی دریایی را فعال کنیم. به این دلیل که ایرانی ها به این جا آمده اند. پانزده شبانه روز آماده باش کامل بودند و با هواپیماهای با سرنشین و بدون سرنشین، از دریا و زمین کنترل می کردند که ما برای چه رفتیم؟ همه به دنبال این بودند که ما چه زمانی از آن جا بیرون می آییم که ما تا روز آخر هم نگفتیم که چه زمانی بیرون می آییم. پایگاه دلاوران تکاور نیروی دریایی ارتش در منجیل را در شرایطی ترک کردم که گویی امید و آرامشی بیشتر از گذشته در درونم احساس می شد. آرامش و اطمینان به فرزندان غیور و زحمت کشی که برای حفظ امنیت همه ما و همه این خاک مقدس این همه سختی و خطر را به جان می خرند تا در لحظه مورد نیاز -که امیدوارم هرگز تکرار نشود- همچون دلاوران حماسه خرمشهر، حماسه آفرینی کنند و شهامت و ایثار ایرانی مسلمان را به رخ جهان و تاریخ بکشانند.